



محسنی اژه‌ای:

آنجا که ضرورت ندارد قرار بازداشت موقت نزید

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه گفت: سرمایه اصلی نظام، اعتماد مردم است و نباید اجازه دهیم این اعتماد که بالاترین سرمایه است از بین برود، زیرا هر وقت مردم برای حل مسائل وارد صحنه شدند مشکلات حل شده است، مثل جنگ و تحریم‌ها...

صفحه ۳

شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۰ • ۲۵ صفر ۱۴۴۳ • ۲ اکتبر ۲۰۲۱

تیترو

نیم‌رخ فردوسی‌پور آزاد شد!

صفحه ۱۱

تیترها

بازگشت به ام‌القری

صفحه ۳

معافیت تحریمی آمریکا برای ارسال اقلام انسان‌دوستانه به حرم امام‌رضا
پیام بی‌سروصدای
واشنگتن به تهران؟

صفحه ۴

مناظرات داغ درباره فرماندهی و پایان جنگ
۳ هدف استراتژیک
جنگ

صفحه ۹

۴۳ سال چشم‌انتظار
امام موسی صدر

بانوپروین خلیلی درگذشت

صفحه ۲

حرف اول

صنعت ساخت مسکن انبوه و ۳ نگرانی

حسین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شناس



ایران با شتاب از کشوری عمدتاً روستایی-عشایری در اوایل قرن بیستم به کشوری عمدتاً شهری در اوایل قرن بیست‌ویکم تبدیل شده است؛ با این حال پویای شهرنشینی در پهنه سرزمین متعادل و متوازن نبوده و سهم مناطق مختلف کشور از منابع و امکانات و حتی جمعیت بدون تناسب است. کشور از مسئله‌ای به نام «ماکروسفالی شهری» یا تمرکز اصلی سکونت، اشتغال و ثروت جمعیت شهری در منطقه کلان شهری تهران در رنج و آسیب است. محمدرضا برهانی کارشناس علوم بانکی در یک محاسبه ساده بر اساس داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد در مهر ۱۳۹۹ سهم استان تهران از تسهیلات بانکی کشور ۶۴ درصد و از سیرده‌های بانکی کشور ۵۴ درصد است. این وضع نشان می‌دهد که استان تهران با به تعبیر دقیق‌تر منطقه کلان‌شهری تهران صاحب بیش از نیمی از منابع شبکه بانکی کشور است و بیش از نیمی از تراکشی‌های کشور و در نتیجه بیش از نیمی از عملیات کسب‌وکار در تهران متمرکز هستند. ۶۴ درصد مانده تسهیلات در تهران هم یعنی اینکه تهران ثروتمند، سهمش از تسهیلات شبکه بانکی ۱۰ درصد بیش از سهمش از سیرده‌های بانکی است و این نابرابری در حالی است که سهم استان تهران از کل جمعیت کشور تنها ۱۳.۵ درصد است. علاوه بر مسئله فوق، گسترش شهرنشینی هم همراه با تأمین مناسب مسکن برای همه گروه‌های اجتماعی نبوده است و عموماً تهیدستان و بخش‌های پایینی طبقه متوسط نتوانسته‌اند در پویای شهری شدن ایران صاحب مسکن مناسب شده و اتکا به مسکن غیررسمی یا اجاره‌ای دارند؛ وضعیتی که سبب ناپایداری سکونت و تبعاتی چون جابه‌جایی‌های ناخواسته و کاهش منظم کیفیت زندگی به سبب اجبار به اسکان در مناطق کمتر توسعه‌یافته شده است. در سال‌های اخیر هم رشد قیمت‌ها و تورم شدید وضعیت تأمین مسکن این گروه‌ها را بیش از گذشته سخت‌تر ساخته است، معمای تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد از مسائلی است که دولت‌ها چه در پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب برای حل آن کوشیده‌اند اما دوام مشکل مسکن و تشدید آن نشان‌دهنده شکست نسبی تمامی سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که در این خصوص انجام شده است.

ادامه در صفحه ۴



قانون ممنوعیت در راستای حمایت از تولید داخلی است

پیام‌های یک ممنوعیت



پوست اندازی در کارگزاران؟

عطریانفر به «شرق» گفت: زیر بار استعفای مرعشی
از شورای مرکزی حزب نمی‌رویم

صفحه ۲

یادداشت

الزامات و عوامل کیفی‌سازی ساختمان

در مغایرت با این انتظار طبیعی است. نارضایتی ساکنان از اجرای نامناسب و کیفیت پایین مصالح در سفت‌کاری، نازک‌کاری و تأسیسات، مشکلاتی مانند انتقال صدا از فضای خصوصی خانه به مجاورین و مشاعات، نشت لوله‌های آب و فاضلاب، بروز نم و رطوبت بر سطوح دیوار و کف، انتشار بوی نامطبوع از لوله‌های فاضلاب، بروز ترک بر جداره‌ها و رهاشدن سنگ و سرامیک از نماها، عدم رعایت عایق‌بندی حرارتی و الزامات بهینه‌سازی مصرف انرژی در جداره‌ها، کف‌ها و پنجره‌ها که مصرف انرژی در دست‌رفتن بهره‌دهی مناسب و آسایش ساکنان می‌شود و خسارتی که در زلزله کرمانشاه در سال ۹۶ برای این مجموعه پیش‌آمد و استحکام و ایمنی ساختمان‌ها را تحت تأثیر قرار داد، نشان از بی‌توجهی به الزامات فنی و اجرایی مطابق مقررات ملی است (مشکلات مرتبط با شهرسازی و معماری مجموعه مسکن مهر نیز مطرح است که موضوع این یادداشت نیست). چشم‌پوشی از الزامات فنی، نادیده‌گرفتن ضوابط و کاهش کیفیت ساختمان‌ها به بهانه کاهش قیمت تمام‌شده ساخت‌وسازهای دولتی موجه به نظر نمی‌رسد. این همان منطقی است که بخشی از کارفرمایان در ساخت‌وسازهای خصوصی را به عدم تأمین شرایط کیفی و عدم توجه به الزامات می‌رساند و البته مورد نکوهش است. کاهش قیمت و آزران‌سازی با ابزار کاهش کیفیت، پایین‌تر از الزامات و استانداردهای ایمنی، آنچه با جان و روان مردم ارتباط دارد، معنی و مفهوم ندارد و خود موجب زیان و عدم تحقق اهداف است.

حامد خانجانی*

زلزله پدیده‌ای طبیعی است مانند شب، روز، زمستان و تابستان. برای مواجهه با چنین پدیده‌هایی باید برنامه و آمادگی داشت، در غیر این صورت وجهی از زیست ما از بی‌تدبیری و عدم آمادگی به مخاطره می‌افتد. کشور ما در پهنه‌ای لرزه‌خیز قرار دارد، اما آنچه مخاطره محسوب می‌شود زلزله نیست، ساخت‌وسازهای فاقد کیفیت است، درحالی‌که بیشترین زمان روزانه افراد زیر یک سقف و داخل یک چهاردیواری سپری می‌شود. آیین‌نامه‌های فنی و اجرایی با برآورد استحکام ایمنی، امنیت، آسایش و بهره‌دهی مناسب ساختمان‌ها تدوین و ابلاغ می‌شوند. نظامات اداری مقررات ملی ساختمان تنظیم روابط انسانی و تعیین گردش کارها برای تأمین کیفیت ساخت‌وسازها را در سر می‌گیرد. آیین‌نامه‌های فنی و مقررات ملی بیش از سه دهه است که در کشور ما تهیه و منتشر می‌شوند. این موارد حاکمیتی برای تأمین منافع بهره‌برداران و ساکنان توسط دولت و نهادهای عمومی به انجام می‌رسد. در ساختمان‌سازی در شرایطی که کارفرما بخش خصوصی است تحقق الزامات فنی با مشکلاتی مواجه است. وقتی کارفرما دولت است انتظار می‌رود ساختمان‌های احداثی ضریب کیفی بالایی داشته باشند. اما متأسفانه تجربه‌هایی مثل مسکن مهر به خلاف و

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

وقتی پول ملی شانه خالی می‌کند

نشناخته و به فکر آزمودن روش‌های دیگری برای این کار باشند. درست مثل وضعیتی که سهام شرکی در بورس گرفتار کاهش مستمر قیمت شده و سهامداران تاش می‌کنند با فروش آن و خرید سهام شرکت‌های دیگر جلوی ضرر و زیان آتی را بگیرند. در چند دهه اخیر شهروندان تلاش کرده‌اند با تبدیل نقدینگی در اختیار خود به دارایی‌هایی مثل مستغلات، خودرو، طلا و ارز تا جایی که می‌توانند از تداوم ضرر و زیان ناشی از کاهش ارزش پول ملی در امان بمانند. این قبیل اقدامات شاید از منظر فردی قابل‌دفاع باشد، زیرا در صورت تعلل و خودداری از اقدام سریع، فرد بخش مهمی از ارزش دارایی و پس‌انداز خود را از دست خواهد داد. اما بی‌تردید عمومیت‌یافتن چنین شیوه‌ای لطمه سنگینی به اقتصاد ملی وارد می‌کند. زیرا تقاضای غیرواقعی برای برخی دارایی‌ها شکل می‌گیرد و سرمایه‌های ملی در مسیری غیر از تأمین نیاز جامعه و تضمین تداوم توسعه کشور به کار می‌افتند. بروز پدیده خانه‌های خالی، رشد حیرت‌انگیز تقاضای خودرو حتی در شرایطی که همگان به کاهش کیفیت محصولات واقف و معترض هستند، گسترش ابعاد معضل دلارهای خانگی همه و همه شواهدی از این انتخاب نادرست هستند. به بیان دیگر کاهش طولانی‌مدت ارزش پول ملی شهروندان را وادار به اقداماتی کرده که آثار منفی جدی بر اقتصاد ملی داشته‌اند. از سوی دیگر متأسفانه دولتمردان و متولیان امر نه برای مقابله با کاهش ارزش پول ملی اقدام مؤثری انجام داده‌اند و نه تلاشی برای تشویق شهروندان به انتخاب درست و خودداری از آزمودن شیوه‌های مخرب اقتصاد ملی کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۲



نامر زاکری
کارشناس اقتصادی

در متون درسی اقتصاد از پول به‌عنوان وسیله پرداخت مبادلات، وسیله سنجش ارزش، وسیله پس‌انداز و حفظ ارزش دارایی و وسیله‌ای برای انجام پرداخت‌های آینده سخن به میان می‌آید و دقیقاً به همین دلیل برخی تاریخ‌دانان به‌کارگیری پول را یکی مهم‌ترین و دوران‌سازترین اختراعات بشر تلقی می‌کنند. وقتی اقتصاد ملی گرفتار بیماری تورم می‌شود، در اصل پول از انجام درست وظایف چهارگانه خود بازمی‌ماند. هزاران سال پیش و در نبود پول، جوامع بشری با نگهداری کالاهای بادوام تلاش می‌کردند بخشی از محصول و دسترنج خود را برای آینده ذخیره کنند. به‌کارگیری پول موجب شد بشر از این زحمت خلاص شود و راه آسان‌تری را برای پس‌انداز و حفظ دارایی خود بیازماید. اما در شرایط تورمی گویی جامعه بشری یک بار دیگر مجبور می‌شود به مناسبات باستانی متوسل شود. اقتصاد ما نزدیک نیم‌قرن است که از حاکمیت تورم دورقمی رنج می‌برد. در این فاصله شاخص عمومی قیمت‌ها بیش از هفت هزار برابر شده و این بدان معنی است که پول ملی به‌سرعت ارزش و قدرت خرید خود را از دست داده است. در چنین شرایطی، جای شگفتی نخواهد بود که اعتماد مردم از پول ملی به‌تدریج سلب شود و آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای پس‌انداز و حفظ ارزش دارایی خود به رسمیت

انالله و انا الیه راجعون

برادر گرامی جناب آقای دکتر فیاض زاهد

مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم. مهدی رحمانیان، احمد غلامی و شهاب‌الدین طباطبایی

درگذشت جناب آقای امیر حسین افراسیابی

شاعر و مترجم پیش‌کسوت و از بازماندگان «جنگ ادبی اصفهان» را به خانواده محترم ایشنان و اصحاب فرهنگ تسلیت می‌گوییم.

یونس تراکمه، احمد غلامی و شیمیا بهرهمند



درواکتش به جنجال ماینرهای زیرزمین ساختمان بازار سرمایه

استعفای مدیرعامل بورس

گروه اقتصاد: مهم‌ترین خبر بازار سرمایه ایران در هفته گذشته نه تحولات شاخص بورس و مثبت و منفی‌ها که کشف ماینر آن هم از زیرزمین ساختمان اصلی بورس تهران بود؛ این خبر به حدی عجیب بود که در روزهای ابتدایی انتشار آن چندان...

صفحه ۵

سال نوزدهم • شماره ۴۱۱۰ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

محاصره ایران از سوی کدام «دوستان»؟

احمد غلامی، سردبیر



سرمقاله هفته گذشته روزنامه «واسطه استراتژیک» محاصره‌ای از سوی «دوستان»، به قلم کیومرث اشترینان حاوی نکات تأمل‌برانگیزی بود که باب گفت‌وگو و مجادله را می‌گشاید. اشترینان با به‌کارگیری مفهومی به نام «واسطه استراتژیک» تلاش کرده است طرف‌های سوم در رابطه با ایران را در توازن منطقه‌ای و جهانی مورد نقد قرار دهد. کشورهایی همچون روسیه، چین و ترکیه، البته با اشاره‌ای گذرا به نقش پاکستان و نفوذش در افغانستان. نکته اصلی بحث این است که کشورهای واسطه (دوستان) می‌توانند تهدید و تحدیدی برای برنامه‌های منطقه‌ای ایران باشند. اشترینان می‌نویسد: «اسرائیل؛ دشمن رسمی ایران که در سال‌های اخیر نفوذ روزافزونی در کشورهای حاشیه خلیج فارس داشته است، در جتر حمایتی «کشور دوست» ایران یعنی روسیه قرار می‌گیرد. این جمله لاوروف تأکید مجددی بر این موضوع است؛ امنیت اسرائیل اولویت ماست». اشترینان باور دارد که حمایت از اسرائیل به شیوه‌ای متناقض نه به دست آمریکا بلکه به دست چین و روسیه صورت می‌گیرد. اما باید گفت و تأکید کرد که در قواعد بین‌الملل دوست وجود ندارد، شرکای تاکتیکی و استراتژیک وجود دارند و بر کسی پوشیده نیست که اسرائیل شریک استراتژیک آمریکا و آمریکا بدون اسرائیل و اسرائیل بدون آمریکا معنا ندارد. بگذریم که مردم آمریکا از این رابطه استراتژیک به ستوه آمده‌اند؛ چراکه اسرائیل نقشی اساسی در سیاست داخلی آمریکا و اقتصاد این کشور بازی می‌کند. اگر بخواهیم این جمله لاوروف را مبنای یک رابطه استراتژیک بین روسیه و اسرائیل قرار دهیم، در تحلیل‌مان به خطا خواهیم رفت. یکی از ویژگی‌های سیاست‌های منطقه‌ای ایران دقیقاً واقع‌بینی آن در برابر دیگر کشورهاست. عراق نیست اگر بگوییم ایران هرگز روابطش را براساس دوستی با کشورهای قدرتمند و نقش‌آفرین در منطقه پی‌ریزی نکرده است. ایران شرکای تاکتیکی و استراتژیک دارد. حتی بسیاری از موضع‌گیری‌هایش در منطقه مبنای ایدئولوژیک ندارد و بر اساس تأمین منافع حداکثری پیش می‌رود، با پرهیز از منازعاتی که پايانش در اختیار ایران نیست. در سیاست منطقه‌ای ایران نمی‌توان از این گزاره استفاده کرد که این کشور در بالائا سوریه، عراق و یمن گرفتار شده است. سیاست منطقه‌ای ایران بر این اساس شکل گرفته که دوست و دشمن ابداً وجود ندارد. اگر شرایط اقتضا کند می‌تواند از این کشورها خارج شده و سیاست نگاه به درون را پی بگیرد. می‌توان گفت دست بر قضا افغانستان برای روسیه و آمریکا باتلاق بوده است. با اینکه برای دخالت ایران در افغانستان انگیزه قوی همچون سرنوشت وخیم اهالی شهرهای شیعه‌نشین وجود داشته، اما تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده است. این عملکرد شاهدهی بر این معادست که سیاست منطقه‌ای ایران، سیاستی ایدئولوژیک نیست. از طرف دیگر نزدیکی ایران به طالبان معنایی جز نزدیکی به شر ندارد تا ایران بتواند رفتارهای این گروه تندرو و متعصب را رصد کند. بسیاری به درست به نادرست موضع‌گیری‌های «ایذایی» روزنامه کیهان را مبنای سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی ایران قرار می‌دهند. رویکرد و موضع‌گیری‌های این روزنامه بیش از آنکه مقرون به واقعیت باشد، مصرف داخلی، خارجی و منطقه‌ای دارد. البته ناگفته پیداست برخی چهره‌ها و جناح‌های سیاسی ایران در شیوه سیاست‌ورزی بر طالبان فضل تقدم دارند!

ادامه در صفحه ۲

آقایان محمدرضا و علی یزدان پناه

مصیبت درگذشت مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم.

مرتضی مبلغ، سید محمود حسینی، امین سازگار نژاد

محمد هاشم مهیمنی، جهانگیر عرب، دانیال ملائی

جعفر رحمان زاده، سید مناف هاشمی

احمد علی فردوسی، علی مزروعی، شفیع دوست

عبد‌الناصر میرچی، ابوالفضل رضوی، نسرین اکبری نژاد

شهاب‌الدین طباطبایی و مهدی رحمانیان